

تاریخچه ای از نگارش و خط  
نویسنده: دکتر ژاله آموزگار

بشر زمانی که خواست آنچه را می اندیشد نقش کند، در حقیقت قدم به دنیای نگارش گذاشت. در مرحله نخست تصویرهای واقعی را برای ارتباط کتبی ترسیم کرد و با این کار خط تصویری آغاز شد. تعداد فراوان تصویرها و عدم امکان نقش کردن مسائل عاطفی، کمبودهای این روش نگارش بود. کم کم تصویرها شکل ساده تر و نمادین تری به خود گرفتند و برای مفاهیم عاطفی علائمی قراردادی وضع شد؛ مثلاً نقش دو پا نشانه راه رفتن و چشم اشک آلود نشانه اندوهگینی بود. مجموعه این تلاش ها نوعی خط اندیشه نگار را در دسترس نگارندگان قرار داد.

سپس در همین مسیر خط "هیروگلیف" وارد عرصه نگارش شد. گستره انتشار آن بیشتر در مصر و در دست کاهنان بود. یونانیان چون این خط را اعجاب آورد و پر از رمز و راز پنهانی کاهنان مصر یافتند، این نام را بدان بخشیدند که در زبان یونانی به معنی "نوشته نشانه های مقدس" است. سابقه خط هیروگلیف را تا هزاره چهارم پیش از میلاد نیز می توان پیش برد. خط هیروگلیف را بر پاپیروس می نوشتند. پاپیروس از ساقه های فشرده نوعی نی به دست می آید و نیای کاغذ است. کلمات 'papier', 'paper'... در زبان های غربی با این واژه ارتباط دارند.

مصریان نخستین مصرف کنندگان پاپیروس بودند و نوشت افزار آنها نیز نوعی قلم نئی بود که آن را در مرکب سیاه یا قرمز فرو می بردند. این خط بیشتر افقی و از راست به چپ نوشته می شود و به ندرت از چپ به راست و گاهی از بالا به پایین. تصویر انسانها و حیوانات رو به آغاز خط دارد. (1) بعدها خط هیروگلیف در مصر تحول می یابد و به سادگی می گراید و دو نوع خط هیراتیک (دینی)، و دموتی (مردمی) از آن به وجود می آید. مرحله بعدی خط، خط میخی است.

#### خط میخی

کهن ترین اقوامی که در بین النهرین زمینه خط میخی را فراهم کرده اند، سومری ها هستند؛ قومی متمدن که نژاد سامی نداشتند و برخی این احتمال را می دهند که از کنار دریا به این منطقه مهاجرت کرده باشند. ردپای آنها از اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد در بین النهرین دیده می شود. علم نجوم، تقسیم ساعت به 60 دقیقه و دقیقه به 60 ثانیه، مسائل هندسی و اوزان؛ میراث های گرانبهایی هستند که این قوم برای آشوری ها و بابلی ها بر جای گذاشتند. سومری ها چون پیوندی با همسایگان نداشتند، از میان رفتند یا جذب اقوام سامی شدند. سومری ها چون مصری ها و چینی ها، از نخستن اقوامی هستند که تمایل به ضبط گفتار و اندیشه هایشان داشتند و برای این کار خط میخی را برگزیدند. (2) خط میخی آغازین سومری ها شباهت به خط مصری دارد؛ یعنی خط میخی در اصل نوعی خط تصویر نگاری بوده است، آن را بر روی لوح نقش می کردند و به همین دلیل رفته رفته تصویرها حالت ساده تر و زاویه مانندی به خود گرفتند و سرانجام علامت هایی تشکیل دهنده این خط به صورت میخ در آمد. (3)

به جز تفاوت های ظاهری خط هیروگلیف و خط میخی، تفاوت آشکار دیگر آنها در ابزار نوشتن است. برای نگارش خط هیروگلیف همان طور که گفتیم، از پاپیروس و قلم نی و مرکب استفاده می شد، در حالی که برای نوشتن خطوط میخی، نیاز به لوحه های گلی نرمی بود که با قلم چوبی بر آن می نگاشتند و سپس لوحه را می پختند. از خط میخی سومری نخستین، خط میخی ایلامی منشعب می شود که برای نگارش زبان ایلامی که جزو زبان های منفرد است به کار می رود.

خط میخی اکدی (بابلی) نیز از منشعبات همین خط است. خط میخی به جز منطقه بین النهرین در گستره وسیعی رواج می یابد: در آسیای صغیر و بین النهرین شمالی و در میان هیتی ها، هوری ها، اورارتورها، لولوبی ها و کاسی ها و غیره (4) خط میخی کتیبه های فارسی باستان دوره هخامنشی از روی خط میخی بابلی و ایلامی درست شده است که نسبت به آنها علائم ساده تر و کمتری دارد. حروف هجایی هستند (یعنی مصوت به همراه صامت) و از چپ به راست نوشته می شوند. خط میخی زبان فارسی را می توانیم صورت تکامل یافته خطوط میخی دیگر بدانیم.

#### خط فنیقی

همزمان با تکامل تدریجی خطوط میخی و در هزاره دوم پیش از میلاد، خط دیگری در سرزمین فنقیه پا به عرصه وجود می

گذارد و آن خط فنیقی است. قدیمی ترین نمونه این خط در کاوش های شهر گوبله، از شهرهای فنیقی باستان (حوالی سوریه کنونی) که یونانیان آن را ببیلوس می نامیدند، به دست آمده است.

این شهر در میان یونانیان به عنوان داشتن بهترین پاپیروس ها، شهرت داشت و مرکز مهم بازرگانی مصر و یونان بود. چون یونانیان وسایل نوشتن خود را از این شهر به دست می آوردند، نام ببیلوس در نزد آنها به معنی کتاب گرفته شده و بعدها Bible، مفهوم کتاب دینی تورات و انجیل را یافت. (5)

الفبای فنیقی با 22 علامت خطی که تنها صامت‌ها را نشان می داد، از راست به چپ نوشته می شد، به زعم خط شناسان، نشانه هایی از خط مصری باستان و خطوط تصویری را در الفبای فنیقی می توان یافت. این خط برخلاف خط هیروگلیف که در انحصار کاهنان بود و با خط میخی که تنها طبقه دبیران با آن سروکار داشتند، به راحتی در دسترس عامه قرار گرفت؛ چون نگارش و فراگرفتن آن آسان بود. این خط در آسیای غربی نفوذ یافت و جایگزین خط میخی شد و به غرب (اروپای امروز) که هنوز دارای خط و کتابت نبود راه یافت. این امر از طریق یونان انجام گرفت که با فنیقی ها ارتباط بازرگانی داشتند.

یونانیان این الفبا را با اسم سامی آن که نماینده دو حرف اول آن بود، “آلفابتا” نامیدند و برای استفاده خود تغییری در آن دادند و مصوتها را وارد خط ساختند و خط صامت نگار را به آوانگار تبدیل کردند و جهت نگارش را نیز تغییر دادند و از چپ به راست نوشتند.

لازم به یادآوری هست که کهن ترین نوشته ها معمولاً از راست به چپ و سپس از چپ به راست نوشته شده است و در آغاز نوعی روش شیارگونه متداول بوده است.

گونه ای از خط یونانی را، یونانیان مهاجر با خود به روم بردند و در آنجا بر این مبنا، الفبای لاتینی به وجود آمد که زبانهایی گوناگون اروپا بدان خط نوشته شد. بخشی از اروپای شرقی که به کلیسای روم وابسته بودند، الفبای لاتینی را برای نگارش برگزیدند، مانند کشورهای لهستانی، چک ها، کروات ها و...؛ اما در سده نهم میلادی کشیشی از کلیسای بیزانس به نام “سیریل” با ترکیبی از الفبای یونانی و رومی خطی را برای نگارش زبان اسلاوی به وجود آورد. گونه ای تعدیل شده از این الفبا که سیریلیک نامیده می شود برای نگارش زبان روسی و دیگر زبان های همجوار به کار می رود. (6)

الفبای فنیقی به نوعی شبه قاره هند را نیز در نورددید. دانشمندان خط برهمایی هند را از فرزندان همین خط می دانند که زبان سنسکریت و دیگر زبان های هندی با آن نوشته می شود. متون دینی بودایی به زبان خنتی (سکایی) که یکی از زبان های ایرانی شرقی دوره میانه است، به خط برهمایی نوشته شده است. (7)

یکی دیگر از فرزندان خط فنیقی “خط آرامی است که به سرعت در خاورمیانه پخش شد (8) آرامی ها اقوامی بودند که از صحرای شمالی عربستان به سوی خاور میانه مهاجرت کردند و در بین النهرین مستقر شدند. در اوایل هزاره اول پیش از میلاد، حکومت هایی برای خود برپا کردند؛ ولی به زودی مقهور و خراج گزار آشوری ها گشتند. اما از آنجا که بازرگانان موفق بودند، نفوذ ریشه داری در منطقه کردند و محل استقرار خود را در بابل و نینوا قرار دادند و بر جمعیت شان نیز افزوده شد و زبان این قوم زمانی دراز در این منطقه پایید و مهمتر اینکه بر مبنای الفبای فنیقی، خط آرامی به وجود آمد که به سرعت رواج یافت و تبدیل به خط بین المللی منطقه شد و زبان آرامی نیز که چندان دور از زبان های سامی آن نواحی نبود، تبدیل به زبان ارتباطی خاورمیانه گشت. پدید آمدن دولت هخامنشی که سرزمینی گسترده از ماوراء النهر تا بین النهرین را دربر می گرفت و نیاز به زبان ارتباطی واحدی داشت، برگسترش خط و زبان آرامی در این راستا افزود.

خط و زبان آرامی در دولت هخامنشی تبدیل به زبان دیوانی شد و دبیران آرامی نژاد و آرامی زبان در دستگاههای دیوانی ایالت های مختلف سرزمین هخامنشی به خدمت مشغول شدند و زبان و خط آرامی با عنوان آرامی رسمی یا آرامی امپراتوری یا به پای زبان فارسی باستان و خط میخی که تنها در کتیبه های هخامنشی به کار می رفت، در ارسال مراسلات به کار گرفته شد. بدین صورت که نامه به زبان هر ایالتی تقریر می شد؛ دبیر آرامی زبان آن را به زبان و الفبای آرامی می نوشت و نامه به ایالت های دیگر فرستاده می شد و در آنجا دبیرهایی از همین نوع آن را به زبان آن ایالت بر می گرداندند و بر می خواندند.

پس از دوران هخامنشی، در دوره کوتاه مدت اسکندر و سلوکی ها، زبان و خط یونانی در مراسلات رسمی و اداری به کار رفت تا اینکه در زمان اشکانیان، “خط پهلوی اشکانی” برای نوشتن زبان پهلوی اشکانی، بر مبنای خط آرامی پایه ریزی شد و سپس خط پهلوی ساسانی در همین راستا به وجود آمد که هرکدام گونه های کتیبه ای و تحریری دارند. این خطوط صامت نگارند و حتی تعداد علامتها نسبت به الفبای آرامی کمتر نیز هست و همین موضوع مشکلاتی را برای خواندن زبان پهلوی ایجاد می کند. این خطوط از راست به چپ نوشته می شدند. (9)

“خط اوستایی” که برای تحریر در آوردن کتاب دینی زرتشتیان به کار رفته است و یکی از کامل ترین خطوط دنیاست، بر مبنای خط پهلوی ساسانی اختراع شده است. این خط آوانگار است و با 53 تا 58 علامت صامت و مصوت از قابلیت نگارشی بسیار بالایی برخوردار است. از راست به چپ نوشته می شود و به نام های “دین دبیره”، “دین دبیری”، “دین دبیره” و... هم نامیده می شود. (10)

از نخستین سده های اسلامی چون زبان و خط پهلوی حالت رسمی خود را از دست داده، مشکلات آن بیشتر عیان شد و برای

سهولت در خواندن متون پهلوي، آن را به الفبای اوستایی برگرداندند و این نحوه نگارش "پازند" نامیده می شود. (11)

در دوره زبان های ایرانی میانه، خطی که مانی در آثار خود به کار برده است نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مانی خط را بر مبنای "خط سریانی" ابداع کرد که نسبت به خط پهلوي از امتیازات بهتری برخوردار است و در آن موازین زیبا شناختی خط مراعات شده است.

زبان های سریانی یکی از زبان های گروه شرقی زبان آرامی است که در دوران گذشته زبان علم بود. بسیاری از آثار علمی یونانی و پهلوي و عبری به این زبان برگردانده شده است خط سریانی از فرزندان خط آرامی به شمار می آید. (12)

نوشته هایی که به زبان سغدي - یکی از زبان های شرقی ایران- به دست ما رسیده است. با خطهای سغدي مانوي، سغدي مسیحي و سغدي بودایی نوشته شده است که خط اخیر در حقیقت خط سغدي را نشان می دهد. این خط نیز از فرزندان شاخه دیگر آرامی است. (13)

لازم به یادآوری است که "خط عبری" که نیز سابقه زبانی آن به سده چهارم پیش از میلاد می رسد، از اصل آدمی نشأت گرفته است. عموم یهودیان جهان خط عبری را برای نگارش آثار خود به کار می گیرند.

"خط عربی" نیز با واسطه نبطیان از خط آرامی به وجود آمده است. نبطیان قومی از نژاد عرب بودند که در نبطیه زندگی می کردند. از حدود 150 سال پیش از میلاد گونه ای از خط و زبان آرامی در میان ایشان رایج بود، از این خط، خطی به نام "سینایی نو" به وجود آمد که از سده اول پیش از میلاد تا سده چهارم میلادی در شبه جزیره سینا رواج داشت. خط کوفی (در کوفه و حیره) و نسخ (در مکه و مدینه) از این خط اقتباس شده اند. (14) گونه ای از این خط نسخ برای نوشتن آثار زبان خوارزمی که یکی از زبان های ایران شرقی است به کار رفته است. ایرانیان نیز در سده های نخستین پس از اسلام با افزودن حروف فارسی به الفبای عربی خط فارسی را بر مبنای نسخ پایه گذاری کردند و سپس خط نستعلیق و خط شکسته و دیگر خطوط ایرانی ابداع شد.

پی نوشت ها :

- 1) فریدریش، بوهان، زبان های خاموش، ترجمه دکتر یدالله ثمره، دکتر بدرالزمان قریب، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1365، ص 5.
- 2) همان، ص 10
- Lecop, P. Les Inscriptions de papers achemenide, 1997, p. 59
- 3) زبان های خاموش، ص 39، و همچنین بهار، مهرداد، "خطوط باستانی از آغاز تا خط کوفی" از اسطوره تا تاریخ، نشر چشمه، 1377، ص 258.
- 4) زبان های خاموش، ص 48
- 5) پور داوود، فرهنگ ایران باستان، تهران 1326، ص 132 تا 136
- 6) نائل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، جلد اول، چاپ دوم، 1366، ص 134.
- 7) گاور، البرئین، تاریخ خط، ترجمه عباس نخیر و دکتر کوروش صفوی، تهران، 1367، ص 133 به بعد
- 8) تقضلي، احمد "آرامی" دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد 1، تهران، 1368، ص 287 تا 289.
- 9) آموزگار، ژاله، تقضلي، احمد، زبان پهلوي، ادبیات و دستور آن، انتشارات معین، چاپ سوم، 1380، ص 44 تا 54.
- 10) Taffazzoli, A. "Dabire, Encyclopaedia Iranica IV, 5, 1993, 540-41.
- 11) آموزگار، ژاله "گزارشی از پازند"، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال بیست و سوم، شماره چهارم، 1355، ص 14 تا 19
- 12) ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، انتشارات سمت، 1373، ص 154.
- 13) قریب بدرالزمان، فرهنگ سغدي، تهران، 1374، ص 24 تا 29.
- 14) ابوالقاسمی، تاریخ زبان فارسی، ص 155.

منبع: منبع: یزدان پرست، حمید؛ (1388) نامه ایران: مجموعه مقاله ها، سروده ها و مطالب ایران شناسی، تهران، اطلاعات، چاپ نخست..